

نقش تقصیر در مسئولیت قراردادی



امیر ناصری، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی پردیس ارس دانشگاه تهران

چکیده

مفهوم و نقش تقصیر در مسئولیت قراردادی، از مسائلی است که به لحاظ عدم صراحت قوانین و مقررات از یک سو و قانون‌گذاری‌های متشتت از سوی دیگر، همواره مورد اختلاف حقوقدانان بوده است. مفهوم تقصیر را در مسئولیت قراردادی نباید یک مفهوم شخصی پنداشت و وجدان شخص مقصر را ملاک قرار داد، بلکه تقصیر دارای مفهوم نوعی و اجتماعی است؛ یعنی تقصیر عبارت است از فعل خلاف رفتار انسان متعارف. بدین ترتیب هر انسان متعارفی که پیمان می‌بندد به مفاد آن ملتزم و پایبند است و نقض عهد، کاری است خلاف رفتار انسان متعارف و به تبعیت از خواست متعاقدين، تقصیر به شمار می‌رود. با پذیرش این مفهوم و شناخت موضوع قرارداد و نوع تعهد، می‌توان گامی مؤثر در جهت تبیین نقش تقصیر در مسئولیت قراردادی و چگونگی اثبات آن در تعهدات مختلف برداشت. تقسیم‌بندی مسئولیت از حیث تعهدات، تعهدات به وسیله و به نتیجه است که فقط از جهت شناخت موضوع قرارداد می‌باشد و در هر مورد از تعهدات، عدم دستیابی به موضوع قرارداد تقصیر است و چگونگی تحمیل بار مسئولیت اثبات تقصیر در هر قرارداد نیز فقط با شناخت موضوع آن قرارداد امکان‌پذیر می‌گردد. واژگان کلیدی: تقصیر، مسئولیت قراردادی، تعهد



درآمد

در قوانین مختلف به «تقصیر» به عنوان مبنای مسئولیت شخص زیان زننده اشاره شده و نحوه جبران خسارت پیش‌بینی شده است، اما بین آنها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود؛ به این نحو که معمولاً در قوانین مدنی، هدف از مسئول شناختن زیان زننده، جبران خسارات وارد شده به زیان دیده است و گاهی به این سبب، تقصیری هرچند کوچک، آثاری بزرگ به جای می‌گذارد؛ اما در قوانین کیفری، هدف از مجازات مقصر، علاوه بر جبران خسارات زیان دیده، جبران خساراتی که جامعه متحمل می‌شود نیز مورد نظر قانون‌گذار قرار می‌گیرد و میزان کیفر شخص تقصیرکار، با میزان تقصیر او همخوانی دارد و شخصی بیش از عمل ارتكابی خود مجازات نخواهد شد.

در حقوق مدنی ایران، علامت تقصیر آن است که ضمانت اجرا دارد و ضمانت اجرای آن جبران خسارت زیان‌دیده توسط شخص مقصر یا همان زیان‌زننده است.

شخص در برابر کوتاهی و مسامحه عمل خود (فعل یا ترک فعل) مجبور به جبران خسارت وارده به زیان‌دیده می‌باشد. لذا از این تعاریف چنان برمی‌آید که انسان باید مواظب رفتار خود در جامعه باشد تا دچار پرداخت غرامت و خسارت به دیگری نباشد، لذا اگر این موضوع اجرایی گردد، قطعاً میزان آمار دادخواست‌های حقوقی با موضوعات خواسته مطالبه ضرر و زیان وارده در سطح آمارهای رسمی و کلان جامعه به حداقل خواهد رسید.

از نظر برخی از علمای حقوق، تعریف مرسوم و سنتی تقصیر عبارت از عمل

نامشروع و غیرقانونی است که قابل انتساب به عامل آن می‌باشد که گاهی از آن به عمل قابل سرزنش تعبیر می‌شود؛ بنابراین تعریف هرگاه عملی منطبق با قانون و غیرقابل سرزنش باشد تقصیر تلقی نمی‌شود؛ لیکن در تعریف مذکور ایراد این است که اولاً، برای سؤال کدام‌یک از اعمالی که انسان انجام می‌دهد و منطبق با قانون نیست تقصیر به شمار می‌آید؟ پاسخی نمی‌دهد؛ ثانیاً، مطابق این تعریف تنها اعمال و افعالی تقصیر محسوب می‌شود که قابل انتساب به شخص باشند و منظور آن است که اگر شخص قدرت درک زشتی فعلش را ندارد، مقصر شناخته نمی‌شود. درحالی که در قرن بیستم تقصیر مفهوم نوعی یافته است؛ بدین معنی که تجاوز از رفتار متعارف ملاک تقصیر است و دیگر لازم نیست فعل شخص، قابل سرزنش باشد و وضعیت روانی و درونی عامل زیان‌بار مورد بررسی قرار گیرد و به همین دلیل صغیر غیرممیز و مجنون هم می‌توانند مقصر باشند.

اصل طبیعی در زندگی انسان آن است که تنها کسی باید مسئولیتی برای جبران بپذیرد که در رفتار خود از معیارها و حالت متعارف خارج شود و الا اگر کسی رفتاری معمولی و در چارچوب ضوابط دارد، نمی‌توان مسئولیتی را به عهده او قرار داد، به عبارت دیگر؛ همواره تقصیر شرط اصلی مسئولیت بوده است. البته این سخن بدان معنا نیست که در حال حاضر این قاعده؛ تنها قاعده مسئولیت مدنی است بلکه منظور آن است که مبنای تقصیر؛ بنیان اصلی در شکل‌گیری

مباحث مسئولیت مدنی است که در کنار آن قواعد خاص دیگری نیز ایجاد شده است (مدنی، ۱۳۹۲: ۹۹).

مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی به تبیین مفهوم تقصیر پرداخته است که بررسی این مواد حاکی از این است که در نظام حقوقی ایران؛ تقصیر به مفهوم نوعی مورد پذیرش قرار گرفته است.

ماده ۹۵۳ این قانون تقصیر را چنین تعریف کرده است: «تقصیر اعم است که تفریط و تعدی».

همچنین مطابق ماده ۹۵۱: «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حقوق دیگری». ماده ۹۵۲ نیز تفریط را این‌طور تعریف می‌کند: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است».

آخر اینکه در حقوق مدنی ایران، علامت تقصیر آن است که ضمانت اجرا دارد و ضمانت اجرای آن جبران خسارت زیان‌دیده توسط شخص مقصر یا همان زیان‌زننده است. شخصی که در برابر کوتاهی و مسامحه عمل خود مجبور به جبران خسارت وارده به زیان‌دیده می‌باشد و این بدین معنا است که انسان باید مواظب رفتار خود در جامعه باشد تا دچار غرامت و خسارت به دیگری نباشد.

التهیه در این مقاله به طور کلی به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که تقصیر یعنی چه و چه نقشی در تحقق مسئولیت قراردادی در حقوق ایران دارد.

۱- تعریف تقصیر

تخلف از تعهداتی که شخص به موجب قراردادی بر عهده دارد چه در مقابل قانون و چه در مقابل اشخاص دیگر

۱-۱- معنی لغوی تقصیر

در فرهنگ فارسی معین، تقصیر به معنی کوتاهی کردن، سستی ورزیدن، کم کاری کردن، خطا کردن و قصور، گناه، جرم، سستی و کوتاهی کردن در کاری است. تقصیر در لغت به معنای سست کردن، کوتاهی کردن در کاری، قصور در کاری و همچنین گناه و جرم آمده است. در تعریف دیگری آمده است: «خودداری از انجام عملی با وجود توانایی صورت دادن آن عمل را گویند». ضمناً تقصیر در معنای دیگر به معنی: «اختصار، کوتاه سازی، مسامحه، کوتاهی، نقیصه، کاستی و فروگذاری» آمده است. مقصر به معنای: «کوتاه کننده و وظیفه شناس عاجز» معنا شده است.

۱-۲- معنی حقوقی تقصیر

تقصیر در اصطلاح حقوقی، رفتار کسی است که به واسطه عمل او شخصی دچار زیان شده است و این کار به صورت نامشروع انجام گرفته باشد. برخی از علمای حقوق، تعریف مرسوم و سنتی تقصیر را عبارت از عمل نامشروع و غیرقانونی که قابل انتساب به عامل آن است می دانند که گاهی از آن به عمل قابل سرزنش تعبیر شده است؛ بنا براین تعریف هرگاه عملی منطبق با قانون و غیرقابل سرزنش باشد تقصیر تلقی نمی شود.

از نظر حقوقی به انجام ندادن عملی که شخص ملزم به انجام آن است یا ارتکاب عملی که شخص از انجام دادن آن منع شده باشد، تقصیر می گویند. برای نمونه، برابر قانون، اشخاصی که دارای تخصص هستند و دانش و مهارت آنها در کمک به مصدومان حادثه مؤثر

است، تکلیف دارند که به مصدومان کمک کنند؛ وانهادن این عمل نوعی تقصیر است.

تخلف از تعهداتی که شخص به موجب مسئولیت قراردادی بر عهده دارد چه در مقابل قانون و چه در مقابل دیگران باشد نیز در زمره تقصیر به شمار می آید.

تقصیر انواع گوناگون دارد مانند: تقصیر مدنی، تقصیر جزایی، تقصیر تجارتي، تقصیر اداری، تقصیر سبک و سنگین و تقصیر مسئولیت قراردادی و ... (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد).

۱-۳- مفهوم تقصیر از نظر قوانین موضوعه ایران

در قوانین مختلف به تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت شخص زیان زننده اشاره شده است و نحوه جبران خسارت پیش بینی شده است؛ اما بین آنها تفاوت هایی مشاهده می شود، به این نحو که معمولاً در قوانین، هدف از مسئول شناختن زیان زننده، جبران خسارات وارد شده به زیان دیده است و گاهی به این سبب، تقصیری هر چند کوچک، آثاری بزرگ به جای می گذارد، اما در قوانین کیفری، هدف از مجازات مقصر، علاوه بر جبران خسارات زیان دیده، جبران خساراتی که جامعه متحمل می شود، نیز مورد نظر قانون گذار قرار می گیرد و میزان تقصیر او همخوانی دارد و شخصی بیش از عمل ارتكابی خود مجازات نخواهد شد.

با عنایت به مطالب فوق الذکر، می توان دریافت که در قوانین کیفری، تمام مواردی که شخص به موجب تقصیر خود مورد مجازات قرار می گیرد، باید در قانون احصاء شده باشد و نمی توان

شخصی را مجازات نمود بدون آنکه در قوانین موضوعه برای عمل آن شخص تعیین مجازات شده باشد و برعکس در قوانین مدنی نیز این امکان که تمام مصادیق دارای مسئولیت از حیث مدنی یا قراردادی را احصا کرد و نام برد؛ وجود ندارد و بعضاً قانون گذار از باب تمثیل، مصادیقی از اعمالی که موجب مسئولیت شخص است را نام برده و به تبیین احکام آن پرداخته است.

با این مقدمه، به تبیین مفهوم تقصیر در قوانین مدنی و مسئولیت قراردادی خواهیم پرداخت و در این مسیر، سعی بر آن خواهد بود که اشتراکات و تفاوت های مفهوم تقصیر در قوانین مختلف بررسی و مراحل اجرای هر کدام از آنها مشخص شود و به هدف قانون گذار در وضع قوانین مربوط به تقصیر نزدیک شد.

۱-۴- مفهوم سنتی تقصیر

تقصیر در مفهوم سنتی خود عبارت است از رفتاری که از نظر اخلاقی قابل سرزنش باشد بر این اساس مباشر خسارت، هنگامی ملزم به پرداخت خسارت می شود که رفتار وی اخلاقاً ناشی از تقصیر باشد؛ در غیر این صورت، ضمانی بر عهده او نیست (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ۲۹).

مطابق مفهوم اخلاقی تقصیر، تنها افعالی تقصیر محسوب می شود که فاعل آن قدرت درک زشتی فعلش را داشته باشد. درحالی که وفق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، صغیر و مجنون هم می توانند بر اساس تقصیر، مسئول شناخته شوند. از این رو، تقصیر مفهوم نوعی یافته است. بدین معنی



شایان توجه است که در تقصیر به مفهوم نوعی، اساس مسئولیت ضرر است نه تقصیر (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۷).

۲- اقسام تقصیر

تقصیر از جهات مختلف قابل تقسیم می‌باشد که به طور خلاصه می‌توان به برخی از مهم‌ترین تقسیمات تقصیر اشاره کرد

۲-۱- تقصیر عام و خاص

نقض تعهدات عمومی و کلی، تقصیر عام یا عمومی تلقی می‌شود، به‌طور مثال هر کس موظف است به طور متعارف رفتار کند یا به عبارتی، تعدی و تفریط نکند، یعنی هر کس یک سری تعهدات عمومی بر عهده دارد که نقض آنها، تقصیر عام یا عمومی تلقی می‌شود؛ اما نقض یک تعهد خاص، تقصیر خاص محسوب می‌گردد، به‌طور مثال رعایت چراغ قرمز؛ یک تعهد خاص است و چنانچه کسی از چراغ قرمز عبور کند مرتکب تقصیر خاص شده است. احراز این نوع تقصیر نسبت به تقصیر عام که نیاز به تفسیر و ارزیابی دارد، به مراتب آسان‌تر است (ره‌پیک، ۱۳۹۰: ۲۸).

نمونه دیگر مجتمع آپارتمانی است که در آن نیز هر دو نوع تقصیر مذکور قابل تحقق است. به این صورت که تمام ساکنین و مدیران ساختمان به‌عنوان عضوی از یک جامعه موظف هستند که به‌طور متعارف رفتار کنند، برای سایرین ایجاد مزاحمت ننمایند و تکالیفی از این دست که برای همه افراد یک جامعه مقرر شده است و هر کس این تکالیف را نقض کند مرتکب تقصیر عام شده است. با این وجود، یکسری تکالیف خاص به موجب قانون تملک آپارتمان‌ها و سایر مقررات مرتبط با

به کمترین میزان خود رسیده است (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۶).



تقصیر در اصطلاح حقوقی، رفتار کسی است که به واسطه عمل او شخصی دچار زیان شده است و این کار به صورت نامشروع انجام گرفته باشد. برخی از علمای حقوق، تعریف مرسوم و سنتی تقصیر را عبارت از عمل نامشروع و غیرقانونی که قابل انتساب به عامل آن است می‌دانند که گاهی از آن به عمل قابل سرزنش تعبیر شده است؛ بنابراین تعریف هرگاه عملی منطبق با قانون و غیرقابل سرزنش باشد تقصیر تلقی نمی‌شود.



۱-۶- تقصیر به مفهوم نوعی

مقصود از تقصیر بدین مفهوم آن است که تجاوز از رفتار متعارف ملاک تقصیر است نه وضع شخصی مقصر. در واقع، عملی تقصیر محسوب می‌شود که مرتکب رفتاری داشته باشد برخلاف رفتار یک فرد متعارف که در همان شرایط و اوضاع خارجی قرار گرفته باشد. بر این اساس، جهت احراز تقصیر، عمل شخص بدون توجه به وضعیت روانی او با عمل یک فرد متعارف مقایسه می‌شود؛ بنابراین صغیر غیرممیز و مجنون نیز می‌تواند مقصر محسوب گردد. به‌هرحال مفهوم نوعی تقصیر مطابق با قواعد بوده و با قوانین مدنی ایران نیز سازگار است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۷۶).

که تجاوز از رفتار متعارف ملاک تقصیر است. قانون مدنی در مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ به تبیین مفهوم تقصیر پرداخته است، به عبارتی دیگر تقصیر، تعدی و تفریط از رفتار انسان متعارف (در همان شرایط و اوضاع و احوال خواننده وقوع حادثه)، یعنی کاری که نباید انجام گیرد یا عدم انجام کاری که باید عرفاً انجام می‌گرفت. پس هر فعل یا ترک فعل غیرمتعارف که خلاف قوانین و مقررات قانونی یا عرفی باشد تقصیر است و در آن، عنصر نوعی رفتار ملاک است نه عوامل ذهنی و معیار مقایسه نیز شخص متعارف هم‌شان زیان زننده در همان شرایط وقوع حادثه در انجام فعل زیان‌بار است (داراپور، ۱۳۸۷: ۶۵ و ۶۶).

به‌طور کلی با توجه به مفهوم سنتی و جدید تقصیر، می‌توان گفت تقصیر دارای دو مفهوم است، تقصیر به مفهوم شخصی، تقصیر به مفهوم نوعی.

۱-۵- تقصیر به مفهوم شخصی

منظور از تقصیر به مفهوم شخصی آن است که وضع شخص مقصر ملاک تقصیر است. از این‌رو، عنوان تقصیر از طریق عنوان مقصر احراز می‌گردد. بر اساس این نظر، تنها افعالی تقصیر محسوب می‌شود که قابل انتساب به شخص باشد، لذا اشخاصی مانند مجنون و صغیر و غیر ممیز که قدرت درک زشتی فعلشان را ندارند، مقصر شناخته نمی‌شوند (ره‌پیک، ۱۳۹۰: ۲۶ و ۲۷).

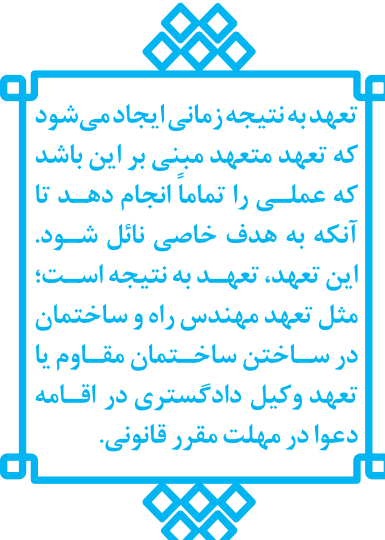
به دلیل اینکه بر مبنای تقصیر به مفهوم شخصی بسیاری از ضررها جبران نشده باقی می‌ماند، این مفهوم با انتقادهای شدیدی روبرو شد و امروز اعتبار آن

آن، فقط برای مالکین یا ساکنین و یا مدیران ساختمان مقرر شده است که نقض آنها، تقصیر خاص محسوب می‌شود، به‌عنوان مثال، مطابق ماده ۱۴ قانون تملک آپارتمان‌ها، مدیر یا مدیران مکلف‌اند تمام بنا را به‌عنوان یک واحد در مقابل آتش‌سوزی بیمه نمایند، بدیهی است که اگر مشارالیه‌م به این تکلیف عمل ننمایند مرتکب تقصیر خاص شده است و در صورت بروز آتش‌سوزی مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند.

۲-۲- تقصیر عمدی و غیر عمدی
تقصیر وقتی عمدی است که شخص با سوءنیت و به قصد اضرار به دیگران مرتکب آن شود؛ به بیان دیگر در تقصیر عمدی، هم عمل ناشایسته به عمد انجام می‌شود و هم نتیجه حاصل از آن کار مقصود مرتکب است. برعکس در تقصیر غیرعمدی، قصد زیان زدن به دیگری وجود ندارد، ولی در نتیجه غفلت و سهل‌انگاری به دیگری ضرر می‌رسد. با اینکه در هر دو تقصیر مسئولیت مستقر می‌گردد و از این لحاظ فرقی بین آنها نیست، ولی در تقصیر غیرعمدی یکسری امتیازاتی لحاظ می‌شود که در تقصیر عمدی وجود ندارد، به‌طور مثال، خسارت ناشی از بی‌احتیاطی و غفلت مشمول تعهدات بیمه قرار می‌گیرد، اما بیمه برای خسارات عمدی تعهد نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۶۰، ره‌پیک، ۱۳۹۰: ۲۹).

۲-۳- تقصیر سبک و سنگین
مقصود از تقصیر سبک، تقصیر غیر عمد و متعارف می‌باشد، ولی تقصیر سنگین مفهومی میان تقصیر عمدی

و غیرعمدی است، زیرا در عین حال که نتیجه مقصود مرتکب نیست، ولی احتمال اضرار بالاست. تقصیر خواه سبک باشد و خواه سنگین، مسئولیت در هر حال مستقر می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۵۵).


تعهد به نتیجه زمانی ایجاد می‌شود که تعهد متعهد مینی بر این باشد که عملی را تماماً انجام دهد تا آنکه به هدف خاصی نائل شود. این تعهد، تعهد به نتیجه است؛ مثل تعهد مهندس راه و ساختمان در ساختن ساختمان مقاوم یا تعهد وکیل دادگستری در اقامه دعوا در مهلت مقرر قانونی.

در کامن‌لا نیز که تقصیر یک نوع رفتار غیرمتعارف محسوب می‌شود و معیار تقصیر یا بی‌تقصیری رفتار یک شخص متعارف است، درجه تقصیر و اثر آن در مسئولیت، هرچند مدافعی دارد ولی از سوی اکثر دادگاه‌ها مردود اعلام شده است.

به هر حال می‌توان گفت که در حقوق ایران علی‌الاصول درجه تقصیر در میزان مسئولیت بی‌تأثیر است، ولی این بدان معنا نیست که حقوق ما به‌کلی نسبت به این مسئله بی‌اعتنا است، زیرا در مواردی درجه تقصیر در میزان خسارت مؤثر دانسته شده است.

۲-۳-۱- نظریه تقصیر اشتراکی
دلیل بر پذیرش نظریه تقصیر
مقصود از تقصیر مشترک زیان‌دیده، اشتراک نامبرده در حادثه زیان‌بار است،

به تعبیر دیگر در این صورت حادثه ناشی از فعل مشترک زیان‌دیده و مرتکب فعل زیان‌بار می‌باشد. در این مورد برای توزیع و تقسیم مسئولیت راه‌های متفاوتی اتخاذ شده است؛ بعضی معتقدند هرگاه خطا و تقصیر زیان‌دیده عمدی بوده و تقصیر خوانده غیرعمدی باشد خطای او خطای خوانده را در بر می‌گیرد و مسئولیت خوانده به دلیل زایل شدن رابطه سببیت منتفی می‌شود؛ مانند اینکه زیان‌دیده به قصد خودکشی خود را عمداً جلوی اتومبیلی که با سرعت غیرمجاز در حال حرکت است بیندازد. در این صورت خطای عمد مانع تأثیر خطای راننده می‌شود و نامبرده به دلیل از بین رفتن رابطه سببیت مسئولیتی نخواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۴۲۱).

۳- معنا و مفهوم مسئولیت قراردادی

مسئولیت مدنی را می‌توان به دو بخش مسئولیت خارج از قرارداد و مسئولیت قراردادی تقسیم کرد.

در خصوص مفهوم مسئولیت قراردادی باید گفت: تعهدی است که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی، برای اشخاص ایجاد می‌شود.

برخلاف مسئولیت مدنی خارج از قرارداد که در آن قراردادی در کار نیست. یکی از شرایط ایجاد مسئولیت قراردادی، وجود قرارداد است؛ برای اثبات مسئولیت قراردادی، وجود و اثبات قرارداد، امری ضروری است و احراز رابطه قراردادی میان خواهان و خواننده یکی از ارکان مسئولیت قراردادی است. این رابطه فقط در مورد طرفین قراردادی باید باشد و



بعد از انعقاد قرارداد برای طرف حقوق و تکالیفی ایجاد می‌گردد و اگر شخص متعهد به تعهد خود عمل نکند و یا در انجام آن تأخیر کند بایستی خسارت وارد بر متعهدله را جبران کند چراکه او با خودداری از انجام مورد تعهد و یا تأخیر در انجام تعهد سبب ورود خسارت به متعهدله گردیده است.

ماده ۲۲۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت، تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون، موجب ضمان باشد.

بنابراین مسئولیت قراردادی، عبارت است از الزام متعهد به جبران خسارتی که در نتیجه عدم اجرای قرارداد یا اجرای ناقص یا نادرست یا همراه با تأخیر، به طرف دیگر وارد می‌شود. اگر شخصی نقض تعهدات قراردادی نماید یعنی تعهدات قراردادی خود را اجرا نکند برای او مسئولیت قراردادی ایجاد می‌گردد یعنی باید خسارت ناشی از این نقض عهد را جبران کند. مسئولیت متعهد به جبران خسارت طلبکار قراردادی مسئولیتی است که در اثر تقصیر و کوتاهی او در وفای به عهد به وجود می‌آید و انتساب آن به قرارداد به این جهت است که مبنای تقصیر نقض قرارداد است.

۴- اقسام خسارات قراردادی

خسارت قراردادی ممکن است ناشی از دو مورد خسارت ناشی از عدم انجام تعهد و خسارت ناشی از تأخیر در انجام تعهد باشد.

در صورتی که نه اجبار ممکن بوده و نه فعل توسط دیگری قابل انجام باشد، متعهدله یا خواهان حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. هرگاه در نتیجه عدم اجرای تعهد، خسارتی به متعهدله وارد شده باشد، وی می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و جبران خسارت را مطالبه کند.

تقصیر وقتی عمدی است که شخص با سوءنیت و به قصد اضرار به دیگران مرتکب آن شود؛ به بیان دیگر در تقصیر عمدی، هم عمل ناشایسته به عمد انجام می‌شود و هم نتیجه حاصل از آن کار مقصود مرتکب است. برعکس در تقصیر غیرعمدی، قصد زیان زدن به دیگری وجود ندارد، ولی در نتیجه غفلت و سهل‌انگاری به دیگری ضرر می‌رسد.

طبق مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ قانون مدنی، شرط دریافت خسارت، انقضای موعد، تحقق ضرر، عدم اجرای تعهد و لزوم جبران خسارت است. متعهدله وقتی می‌تواند خسارت عدم اجرای تعهد را بخواهد که وقت قرارداد تمام شده باشد، همچنین هنگامی متعهدله قادر خواهد بود ادعای خسارت کند که اثبات کند به واسطه عدم اجرای قرارداد، خسارتی به او وارد شده است. شرط دیگر دریافت خسارت، عدم اجرای تعهد است. این موضوع به این معنا است که خسارت ناشی از عوامل خارجی نباشد، مثل زلزله که در اختیار متعهد نیست (دانشنامه حقوقی، ۱۴ شهریور).

اگر طرف قرارداد به شخص دیگری که خارج از قرارداد است، ضرری بزند، این مسئولیت قراردادی نخواهد بود. رابطه علت بین خسارت و عدم اجرای قرارداد، شرط دیگر ایجاد مسئولیت قراردادی است؛ در حقیقت باید بین خسارت وارده و قرارداد، چنان رابطه‌ای باشد که بتوان گفت: خسارت در نتیجه عدم اجرای تعهد به بار آمده است؛ برای مثال در عقد بیع اگر فروشنده، مبیع را تحویل ندهد و ضرری از این بابت به مشتری برسد، این در نتیجه مسئولیت قراردادی است. تخطی؛ اثبات ضرر و رابطه سببیت، ارکان مسئولیت قراردادی هستند. تخطی به این معنا است که متعهد، تعهد ناشی از عقد را به‌جا نیاورد (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۵۷۳/۱).

در خصوص اثبات ضرر نیز با توجه به ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی باید گفت: دادگاه در صورتی حکم به خسارت خواهد داد که ضرر اثبات شود. رابطه سببیت نیز به این معنا است که این ضرر بلاواسطه، ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن باشد که این مفهوم را نیز می‌توان از ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی برداشت کرد. در صورتی که متعهد به میل خود تعهد را انجام ندهد، می‌توان با مراجعه به مقامات قانونی، اجبار او به اجرای قرارداد را خواستار شد. (برداشت از ماده ۲۳۷ قانون مدنی) اگر اجبار ممکن نبوده، اما موضوع تعهد از جمله اموری باشد که می‌تواند توسط دیگری انجام شود، حاکم می‌تواند توسط دیگری، تعهد را اجرا کرده و مخارج آن را از متعهد متخلف اخذ کند.

۴-۱- خسارت ناشی از عدم انجام تعهد

در صورتی که رابطه تعهد و زمانی که تعهد باید اجرا شود به صورتی باشد که صرفاً اجرای تعهد در همان زمان مطلوب باشد، شخصی که تعهدی به نفع او شده است صرفاً خواهان اجرای تعهد در همان زمان مقرر شده در قرارداد می‌باشد؛ برای مثال در صورتی که شخصی با یک رستوران قراردادی مبنی بر تهیه غذای شام عروسی وی در تاریخ ۲۰ تیرماه را منعقد نماید ولی طرف قرارداد یعنی رستوران مذکور از اجرای تعهد خود و تهیه غذا در روز ۲۰ تیرماه امتناع نماید و به تعهد خود عمل نکند، در این صورت تهیه غذا در روز ۲۱ تیرماه مطلوب به طرف قرارداد نیست چراکه عروسی متعهدله در روز ۲۰ تیرماه بوده است و تهیه آن در روز ۲۱ ام مدنظر او نبوده است. به چنین تعهداتی تعهد به نحو وحدت مطلوب گفته می‌شود؛ یعنی فقط در روز مقرر برای اجرای تعهد است که اجرای آن مطلوب طرف مقابل است نه پس از آن. یا به عبارت دیگر انجام تعهد در یک زمان خاص مد نظر باشد و لاغیر و اگر تعهد توسط متعهد در موعد مقرر انجام نشود خسارت عدم انجام تعهد قابل دریافت است.

۴-۲- خسارت ناشی از تأخیر در انجام تعهد

در صورتی که رابطه تعهد و زمان انجام آن به نحو تعدد مطلوب باشد و متعهد در موعد مقرر تعهد را اجرا نکند می‌توان از یک‌سو او را ملزم به انجام تعهد کرد و از سوی دیگر خسارت تأخیر در انجام تعهد را از او

دریافت کرد. رابطه تعهد و زمان انجام تعهد زمانی به نحو تعدد مطلوب است که اگر متعهد تعهد خود را در موعد مقرر انجام ندهد گرچه نقض عهد کرده، ولی این تعهد در سایر زمان‌ها قابلیت اجرا را دارد. در این حالت به دلیل آنکه تعهد متعهد همچنان قابلیت اجرا را دارد می‌توان وی را به اجرای تعهدات قراردادی اجبار نمود و در عین حال به دلیل عدم رعایت موعد انجام تعهد از خسارت تأخیر در انجام تعهد دریافت کرد.

باید توجه نمود که خسارت عدم انجام تعهد با انجام اصل تعهد قراردادی قابل جمع نیست؛ یعنی زمانی که انجام تعهد به نحو وحدت مطلوب است و شخص تعهد قراردادی خود را اجرا نمی‌کند، طرف مقابل که از این نقض تعهد متحمل ضرری شده است خسارت عدم انجام تعهد را دریافت می‌کند دیگر نمی‌تواند متعهد را به انجام تعهد نیز الزام کند بلکه صرفاً می‌تواند خسارت عدم انجام تعهد را از او مطالبه کند؛ ولی در مقابل در صورتی که خسارت تأخیر در انجام تعهد مطالبه می‌گردد در حقیقت شخص همچنان خواهان اجرای تعهد است و زمان اجرای تعهد برای او مهم نیست. در این صورت است که او متعهد را الزام به اجرای تعهد می‌کند و می‌تواند بابت تأخیر در اجرا از وی مطالبه خسارت تأخیر نماید.

۵- شروط مطالبه خسارت قراردادی

به جهت اینکه بتوان از متعهدی که به تعهد خود عمل نکرده خسارتی را دریافت نمود بایستی شرایطی وجود داشته باشد و در صورت عدم وجود این

شرایط امکان اخذ خسارت قراردادی از وی وجود نخواهد داشت. حال به این شرایط توجه نمایید:

۱- گذشتن زمان انجام تعهد و عدم اجرای تعهد توسط متعهد بر اساس ماده ۲۲۶ قانون مدنی؛

۲- ورود ضرر به متعهدله؛

۳- قابلیت پیش‌بینی ضرر؛ یعنی بتوان در زمان انعقاد قرارداد پیش‌بینی نمود که در صورت عدم اجرای تعهد از جانب متعهدبه چنین ضرری به متعهدله وارد خواهد گردید.

۴- وجود رابطه سببیت بین تأخیر در انجام تعهد و یا عدم انجام تعهد و ورود ضرر؛ یعنی ضرری که شخص متعهدله، یعنی شخصی که تعهد به نفع او شده است، متحمل شده است به دلیل انجام نشدن تعهد متعهد باشد؛

۵- لازم بودن جبران خسارت به حکم عرف و قانون و یا عقد؛ یعنی در قرارداد منعقد بین طرفین و یا در قانون و یا به حکم او در صورتی که متعهد از انجام وظیفه خود امتناع کند یا آن را با تأخیر انجام دهد، جبران خسارت پیش‌بینی شده باشد.

و اینکه به منظور آشنایی بیشتر با شروطی که برای مطالبه خسارت قراردادی مورد نیاز است هر یک را به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵-۱- زمان انجام تعهد

زمان انجام تعهد ممکن است به سه صورت باشد:

۱- زمان انجام تعهد ممکن است به صورت حال باشد که در این صورت تعهد باید فوراً اجرا شود و فاقد سر رسید است و منظور از فوری



پاسخ این سؤال بستگی به نوع تعهد دارد؛ بنابراین باید بین اقسام مختلف تعهد به این شرح قائل به تمایز و تفکیک شویم:

الف) در صورتی که موضوع تعهد نقل و انتقال یک مال باشد: در این صورت بار اثبات انجام تعهد بر عهده متعهد می‌باشد؛ یعنی او باید ثابت کند که آن مال را منتقل نموده است.

ب) در صورتی که موضوع تعهد انجام یک عمل باشد: چنین تعهداتی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- تعهد به وسیله: در چنین تعهداتی بار اثبات نقض تعهد بر عهده متعهدله است؛ بنابراین متعهد از اثبات وفای به عهد معاف می‌باشد، به عبارت دیگر می‌توان گفت که در چنین تعهداتی متعهدله برای آنکه بتواند از متعهد خسارت دریافت کند باید عدم انجام تعهدات قراردادی را ثابت کند.

۲- تعهد به نتیجه: در چنین تعهداتی بار اثبات وفای به عهد بر عهده متعهد است؛ یعنی اینکه باید ثابت کند تعهد خود را انجام داده است یا در صورت عدم انجام تعهد است که باید ثابت کند عدم اجرای تعهد ناشی از یک حادثه غیرقابل پیش‌بینی که به اصطلاح حقوقی به آن قوه قاهره گفته می‌شود، بوده است. در صورت عدم اثبات این موارد او متعهد به جبران خسارت وارده به متعهدله است؛ بنابراین در تعهدات به نتیجه اگر متعهد اثبات کند که عدم انجام تعهد ناشی از قوه قاهره (قوه قاهره حادثه‌ای است که خارجی باشد، غیر قابل دفع و پیش‌بینی ناپذیر باشد) بوده است دیگر مسئولیتی نخواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۷۶-۷۵).

سؤالی که در این قسمت می‌توان مطرح نمود این است که اگر تعهدی قراردادی به صورت مطلق منعقد شده باشد و در خصوص موعد انجام آن، قرارداد منعقد شده ساکت باشد، باید به چه نحو عمل نمود؟ در رابطه با این سؤال اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی می‌گویند که در این صورت باید اصل را بر حال بودن تعهد گذاشت و برخی دیگر عقیده دارند که با توجه به قسمت اخیر ماده ۲۲۶ قانون مدنی که می‌گوید: «در مورد عدم ایفای تعهدات از طرف یکی از متعاملین، طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت کند مگر اینکه برای ایفای تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد و اگر برای ایفای تعهد مدتی مقرر نبوده، طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت کند که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت کند که انجام تعهد را مطالبه کرده است». باید اصل را بر این گذاشت که تعهد مزبور به صورت عندالمطالبه می‌باشد و متعهدله باید انجام آن را از متعهد درخواست کند تا متعهد ملزم به اجرای تعهد قراردادی گردد و به واسطه عدم انجام آنها بتوان او را ملزم به جبران خسارت کرد. با توجه به این دو نظر نظری که درست‌تر جلوه می‌دهد نظر گروه اول می‌باشد.

حال در پی یافتن پاسخ این سؤال هستیم که بار اثبات انجام یا عدم انجام تعهد بر عهده چه شخصی می‌باشد، آیا متعهد باید انجام تعهد را ثابت کند تا از مسئولیت قراردادی مبنی بر جبران خسارت ابرا شود یا آنکه متعهدله باید نقض عهد متعهد را ثابت کند تا بتواند متعهد را به جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد ملزم کند؟

بودن اجرای تعهد، فوری بودن عرفی می‌باشد یعنی تشخیص می‌دهد که اجرای فوری چه زمانی محقق شده است.

۲- زمان اجرای تعهد مؤجل می‌باشد؛ یعنی برای اجرای آن موعدی در آینده تعیین شده است و به این موعد سررسید یا اجل تعهد گفته می‌شود. ۳- تعهد عندالمطالبه یعنی تعهدی که زمان انجام تعهد در آن تعیین نشده است و اختیار انجام تعهد با شخصی است که تعهد به نفع او شده است (متعهد له)، در این صورت متعهد باید وقتی تعهد را انجام دهد که متعهدله، درخواست می‌کند، مانند مهریه عندالمطالبه.

باید توجه داشت که فقط در تعهداتی که عندالمطالبه هستند متعهدله باید از متعهد، انجام تعهد را درخواست کند و در تعهداتی که به صورت حال و یا مدت‌دار هستند متعهد باید تعهد خود را بر حسب مورد فوراً یا در سررسید انجام دهد و نیازی نیست که متعهدله انجام تعهد را از او مطالبه کرده باشد. ولی اگر موضوع تعهد وجه نقد باشد، در این صورت نمی‌توان این قاعده را شامل این مورد دانست بلکه متعهد در صورتی ملزم به پرداخت خسارت قراردادی می‌شود که متعهدله انجام تعهد، یعنی همان پرداخت پول را از او مطالبه کرده باشد، در تعهداتی که موضوع آن وجه رایج است در صورتی خسارت ناشی از نقض تعهد پرداخت خواهد شد که هم موعد انجام تعهد رسیده باشد و هم متعهدله انجام تعهد یعنی پرداخت پول را مطالبه نموده باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۸).

تعهد به نتیجه زمانی ایجاد می‌شود که تعهد متعهد مبنی بر این باشد که عملی را تماماً انجام دهد تا آنکه به هدف خاصی نائل شود. این تعهد، تعهد به نتیجه است؛ مثل تعهد مهندس راه و ساختمان در ساختن ساختمان مقاوم یا تعهد وکیل دادگستری در اقامه دعوا در مهلت مقرر قانونی.

ولی در مقابل تعهد به وسیله تعهدی است که متعهد در آن تعهد می‌کند که در راه رسیدن به نتیجه خاصی تلاش متعارف خود را به کار بگیرد؛ بنابراین آنچه مورد تعهد است تلاش در راه رسیدن به هدف و نتیجه‌ای خاص است، آنکه لزوماً شخص به آن هدف نائل شود؛ مثل تعهد پزشک جهت تلاش برای بهبود بیمار یا تعهد وکیل دادگستری برای تلاش در جهت پیروزی در دعوا.

زمانی که شخص متعهد تعهد می‌کند که کاری را انجام ندهد اصل بر این است که او چنین کاری را انجام نداده است و به عهد خود وفا کرده است؛ ولی اگر متعهد می‌خواهد خلاف این مورد را ثابت کند باید برای آن دلیل بیاورد و با اثبات این امر بتواند از شخص متعهد به دلیل عدم اجرای تعهد دریافت خسارت کند.

۶- اثبات میزان ضرر در مسئولیت قراردادی

اثبات ضرری که به متعهدله وارد شده است به نحو ذیل صورت می‌گیرد:

۱- تعیین میزان ضرر بر عهده متعهدله است چراکه او مدعی ورود ضرر است و از همین رو بار اثبات میزان ضرر بر عهده اوست؛ بنابراین اگر قاضی برای تعیین میزان ضرر وارده اقدام به

صدور قرار کارشناسی کند حق الزحمه کارشناس بر عهده خود متعهدله است. ۲- در مواردی که خسارتی مقطوع در قانون یا قرارداد تعیین شده باشد نیاز به اثبات میزان ضرر نیست این موارد عبارت‌اند از: دیه، خسارت تاخیر در تادیبه وجه رایج که به میزان تغییر نرخ شاخص بهای کالا و خدمات است، وجه التزام.

نقض تعهدات عمومی و کلی، تقصیر عام یا عمومی تلقی می‌شود، به‌طور مثال هر کس موظف است به‌طور متعارف رفتار کند یا به عبارتی، تعدی و تفریط نکند، یعنی هر کس یک سری تعهدات عمومی بر عهده دارد که نقض آنها، تقصیر عام یا عمومی تلقی می‌شود؛ اما نقض یک تعهد خاص، تقصیر خاص محسوب می‌گردد.

۷- توافق در زمینه مسئولیت قراردادی

منظور از توافقی‌های مربوط به مسئولیت قراردادی شروطی هستند که قبل از آنکه متعهد نقض تعهد کند و خسارتی وارد شود، نسبت به میزان مسئولیت متعهد در صورت نقض تعهد تعیین تکلیف می‌نمایند. باید توجه داشت که بحث درباره صحت یا بطلان این شروط در صورتی مطرح می‌شود که این شروط قبل از نقض عهد مقرر شده باشند نه بعد از ورود خسارت؛ بنابراین این شروط زمانی مؤثر هستند که قبل

از نقض عهد صورت گرفته باشند و بر آنها توافق شده باشد، زیرا اگر خسارت وارد شده باشد طرفین می‌توانند هر توافقی را که خواستند در خصوص جبران یا عدم جبران آن و نحوه جبران خسارت و میزان خسارت به عمل آورند و قطعاً هر توافقی که بین طرفین در خصوص شیوه جبران خسارت و یا حتی برائت ذمه زیان رساندن وارد شود صحیح و بلا اشکال است.

۸- شروط مسئولیت قراردادی قبل از ورود خسارت

۸-۱- شرط عدم مسئولیت یعنی قبل از نقض عهد، شرط شود که در صورت نقض تعهد، متعهد مسئول جبران خسارت نیست. شرط عدم مسئولیت به این معنی نیست که متعهد بتواند تعهدات قراردادی خود را اجرا نکند، بلکه به این معنی است که در صورت نقض عهد و عدم اجرای تعهدات، او مسئول جبران خسارت نباشد؛ بنابراین حتی در فرضی که در قراردادی شرط عدم مسئولیت درج شده باشد، در صورت عدم اجرای تعهدات از سوی متعهد، متعهدله می‌تواند علیه او دعوای الزام به انجام تعهدات قراردادی را مطرح کند. این شرط در حقوق ما جایز است جز در چهار مورد که آن چهار مورد عبارت‌اند از: ۱- در تقصیرهای عمدی یعنی مواردی که متعهد عمداً نقض تعهد کند. ۲- در تقصیرهای در حکم عمد مانند اینکه متصدی حمل و نقل هنگام شب، مالی ارزشمند را در کامیون خود بدون نظارت و در محلی که امن نیست رها کند. ۳- ضررهای بدنی ۴- صدمه به شخصیت و حیثیت.



۸-۲- شرط تحدید مسئولیت یا محدود کننده مسئولیت

یعنی برای میزان مسئولیت شخص متعهد سقفی تعیین شود، به این نحو که در صورت نقض عهد و ورود خسارت به غیر، شخص فقط تا سقف خاصی، برای مثال تا سقف یک میلیون تومان مسئول باشد؛ به عبارت دیگر، در صورتی که میزان خسارت از سقف تعیین شده بیشتر باشد، شخص متعهد فقط تا سقف تعیین شده مسئول است و اگر

میزان خسارت از سقف تعیین شده کمتر باشد، شخص متعهد فقط به میزان خسارت وارد مسئولیت خواهد داشت. این شرط در حقوق ما جایز است، اما اگر خسارت وارده بیش از آن باشد که تعیین شده است، شرط تحدید مسئولیت نسبت به چهار مورد مذکور صحیح نیست.

۸-۳- شرط وجه التزام

یعنی طرفین مبلغ مقطوع را به عنوان خسارت ناشی از نقض عهد در قرارداد تعیین کنند، به این نحو که

در صورت نقض عهد، متعهد باید آن مبلغ مقطوع را بپردازد، چه خسارت کمتر از آن میزان باشد و چه بیشتر از آن. چنین شرطی نیز در حقوق ما جایز است. وجه التزام ممکن است وجه التزام عدم انجام تعهد باشد، مثل اینکه خسارت مقطوعی که برای عدم انجام یک پروژه در قرارداد مقرر می‌گردد، یا وجه التزام تأخیر در انجام تعهد مانند مبلغ روزانه‌ای که برای تأخیر مستأجر در تخلیه ملک مقرر می‌گردد.

برآمد

۱- در حقوق موضوعه ایران درجه تقصیر در میزان مسئولیت بی‌تأثیر است، ولی در مواردی درجه تقصیر در میزان خسارت مؤثر دانسته شده است.

۲- مسئولیت قراردادی یکی از زیرمجموعه‌های مسئولیت مدنی است که مابین دو نفر قرارداد مشخصی تنظیم و متعهد را در قبال انجام کاری در قبال متعهدله الزام می‌نماید و در صورت عدم انجام تعهد در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی، برای اشخاص ایجاد مسئولیت و تعهد می‌نماید.

۳- مسئولیت قراردادی عبارت است از الزام متعهد به جبران خسارتی که در نتیجه عدم اجرای قرارداد یا اجرای ناقص یا نادرست یا همراه با تأخیر، به طرف دیگر وارد می‌شود. اگر شخصی نقض تعهدات قراردادی نماید یعنی تعهدات قراردادی خود را اجرا نکند، برای او مسئولیت قراردادی ایجاد می‌گردد؛ یعنی باید خسارت ناشی از این نقض عهد را جبران کند؛ بنابراین تقصیر در قانون ایران به صورت بینابین گرفته شده است، ولی در مسئولیت قراردادی، خسارت وارده در صورت اثبات خسارت قانون ایران پرداخت خسارت را رسماً تأیید نموده است.

فهرست منابع

- ۱- حسین نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، ۱۳۸۹
- ۲- داراب پور، محراب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، انتشارات مجد، ۱۳۸۷
- ۳- ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۰
- ۴- صفایی، سید حسین، الزام‌های خارج از قرارداد، ۱۳۹۰
- ۵- صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، نشر میزان، ۱۳۸۲
- ۶- قاسم‌زاده، سید مرتضی، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، نشر میزان، ۱۳۹۵
- ۷- قانون آیین دادرسی مدنی
- ۸- قانون مدنی ایران
- ۹- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، جلد ۱، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، جلد ۲، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۸
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، نشر میزان، چاپ ۱، ۱۳۷۹
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵
- ۱۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: موسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۸۸
- ۱۴- ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد